



فرصت ها و چالش های اشتغال در ایران در

مواجهه با هرم ناموزون جمعیتی

کمیسیون جوانان، کارآفرینی و کسب و کار نوین و دانش بنیان

دیرخانه کمیسیون های تخصصی

عنوان گزارش: فرصت‌ها و چالش‌های اشتغال در ایران در مواجهه با هرم ناموزون جمعیتی
کمیسیون: جوانان، کارآفرینی و کسب و کار نوین و دانش‌بنیان
تهیه کننده: عباس نیک زاد
انتشار: دبیرخانه کمیسیون های تخصصی اتاق ایران
شماره گزارش: ۰۷۹۶۹۵
تابستان ۹۶

فهرست

۴	مقدمه
۴	بررسی هرم جمعیتی ایران
۶	وضعیت بازار کار و اشتغال کشور
۶	جمعیت و نرخ بیکاری کشور
۷	نرخ مشارکت اقتصادی
۷	جمعیت شاغلین کشور
۸	ترکیب تحصیلی جمعیت بیکار کشور
۹	نرخ بیکاری زنان و مردان در گروه‌های سنی مختلف
۱۰	رشد نرخ مشارکت زنان فارغ التحصیل دانشگاهی و افزایش بیکاری در کشور
۱۰	افزایش مهاجرت از روستا به شهرها و افزایش نرخ بیکاری شهرها
۱۱	نرخ بیکاری در صورت تداوم وضعیت جاری
۱۱	شغل مورد نیاز برای تداوم نرخ بیکاری کنونی
۱۲	پنجره جمعیتی ایران
۱۳	فرصت‌های پنجره جمعیتی با توجه به هرم جمعیتی ناموزون ایران
۱۴	چالش‌های اشتغال در مواجهه با افزایش جوانان کشور
۱۵	چالش‌های سیاست‌ها و مقررات بازار کار
۱۵	راهکار و پیشنهادها برای استفاده از فرصت پنجره جمعیتی و اشتغال زایی
۱۵	سیاست‌های اقتصاد کلان
۱۷	بناگاه‌های کوچک و متوسط
۱۷	زیرساخت‌ها و محیط سرمایه گذاری
۱۸	سیاست‌ها، نهادها و مقررات بازار کار
۱۸	نهادسازی و اصلاح قوانین و مقررات
۱۹	اعمال سیاست‌های فعال بازار کار
۱۹	آموزش و مهارت
۱۹	اعطای معافیت به کارفرمایان برای جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی
۱۹	توسعه منطقه ای اشتغال زایی
۱۹	تقویت بخش خصوصی و کوچک سازی دولت
۲۱	نتایج
۲۲	منابع

۱- مقدمه

موضوع اشتغال و دستیابی افراد به شغل با توجه به انبوه جمعیت جوان و فارغ التحصیل، یکی از موضوعات اساسی کشور محسوب می‌شود. بیکاری به عنوان یک پدیدی مخرب اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مطرح است و رفع آن همواره از جمله دغدغه‌های برنامه ریزان بوده است.^۱ ایران در فاصله دهه ۱۳۶۰-۱۳۳۰ با رشد بی‌سابقه جمعیت مواجه شد، به طوری که معدل رشد جمعیت سالیانه حدود ۳ درصد را پشت سر گذاشت. این امر منجر شد، جمعیت ایران در سال ۱۳۶۵ به حدود ۵۰ میلیون نفر برسد. جمعیت ایران هر ۲۰ سال، تقریباً دو برابر شد. شرایط اجتماعی و سیاست‌های کاهش جمعیت دولت در دهه ۷۰ و ۸۰ باعث شد نرخ رشد جمعیت از ۳/۹ در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ به حدود ۱/۲ در دهه ۱۳۹۵-۱۳۸۵ برسد، با این روند در حال حاضر شاهد نرخ رشد جمعیت کشور به صورت بسیار ملایم هستیم. جمعیت کشور بر اساس سرشماری عمومی نفوس مسکن سال ۱۳۹۵ به عدد ۷۹۹۲۶۲۷۰ میلیون نفر رسید، از این تعداد ۵۱ درصد مرد و ۴۹ درصد زن هستند. طی تحولات ده سال گذشته جمعیت غیرفعال پیوسته در حال افزایش است.^۲ تراکم جمعیت غیرفعال در افراد متولد دهه ۶۰، توسعه آموزش عالی و گرایش جمعیت جوان به سمت افزایش تحصیلات عالی سبب شده اقتصاد ایران با یک تحول مهم در سمت عرضه نیروی کار مواجه باشد و جمعیت جوان و دارای تحصیلات عالی به خصوص زنان تصمیم ورود به بازار کار بگیرند. موج ورود به بازار کار اتفاقی است که نرخ بیکاری و نرخ مشارکت را در آستانه تغییرات قابل توجه قرار داده است. از این رو بحث ایجاد اشتغال با توجه به فرصت‌های شغلی با ویژگی‌های جمعیت جوان و دارای تحصیلات عالی، بیش از گذشته نیاز به توجه و سیاست‌گذاری مناسب دارد. در حال حاضر هرم سنی جمعیت سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد، سن ۶۵-۱۵ سال جامعه، بخش اعظمی از جمعیت جامعه ایران را تشکیل می‌دهد.

در این شرایط در بستر تغییرات ساختار سنی در کشور ما فازی از تحولات جمعیتی آغاز شده است که نسبت جمعیت در سنین فعالیت به حداکثر خود می‌رسد؛ به این شرایط «پنجره جمعیتی»^۳ گفته می‌شود. پنجره جمعیتی یک وضعیت موقتی در ساختار جمعیتی ایران است که در سال ۱۳۸۵ باز شده و برای حدود چهار دهه طول می‌کشد.^۴ در این دوره فرصت مناسبی برای برنامه ریزی دقیق و حرکت کشور به سمت رونق اقتصادی و تولید و اشتغال وجود دارد. توجه نکردن به فرصت طلایی پیش رو می‌تواند تهدیدی برای آینده کشور شود و مشکلات و معضلاتی به مراتب پیچیده‌تر ایجاد کند که می‌تواند هر کشوری را تا مدت‌ها به مشکلات و عقب افتادگی‌های سنگینی دچار کند.

۱-۱- بررسی هرم جمعیتی ایران

در شرایط حاضر با بررسی هرم جمعیتی سال ۱۳۹۵ پی به این نکته می‌بریم که بیشترین برآمدگی جمعیت کشور، مربوط به فاصله سنی ۳۴-۳۰ سال است. در واقع افراد متولدین دهه ۶۰، جمعیت قابل توجهی از هرم جمعیتی کشور را تشکیل می‌دهند. میانگین سنی جمعیت کشور در سال ۹۵ برابر با ۳۱/۱ سال است.^۵ با مشاهده نمودار هرم جمعیتی سال ۹۵ به نکته دیگری پی می‌بریم اینکه جمعیت ۴-۰ ساله در ترکیب جمعیتی کشور قابل توجه است. در واقع این جمعیت حاصل فرزندآوری دهه ۶۰ است. با این شرایط ما در حدود ۱۰ سال آینده نیز موج دوم افزایش جمعیت نیروی کار مواجه هستیم و شمار جمعیت جوان و آماده به کار افزایش چشمگیری می‌یابد. با مشاهده نمودار شماره (۲) به نظر می‌رسد، افراد متولدین دهه ۶۰ در سال ۱۴۳۰ شروع دوران بازنشستگی و کهنسالی خود را پشت سر خواهند گذاشت و هرم سنی جمعیت به شکل استوانه می‌شود در این شرایط افزایش جمعیت سالمند کشور، به نوبه خود تبعات منفی اقتصادی نیز به همراه دارد.

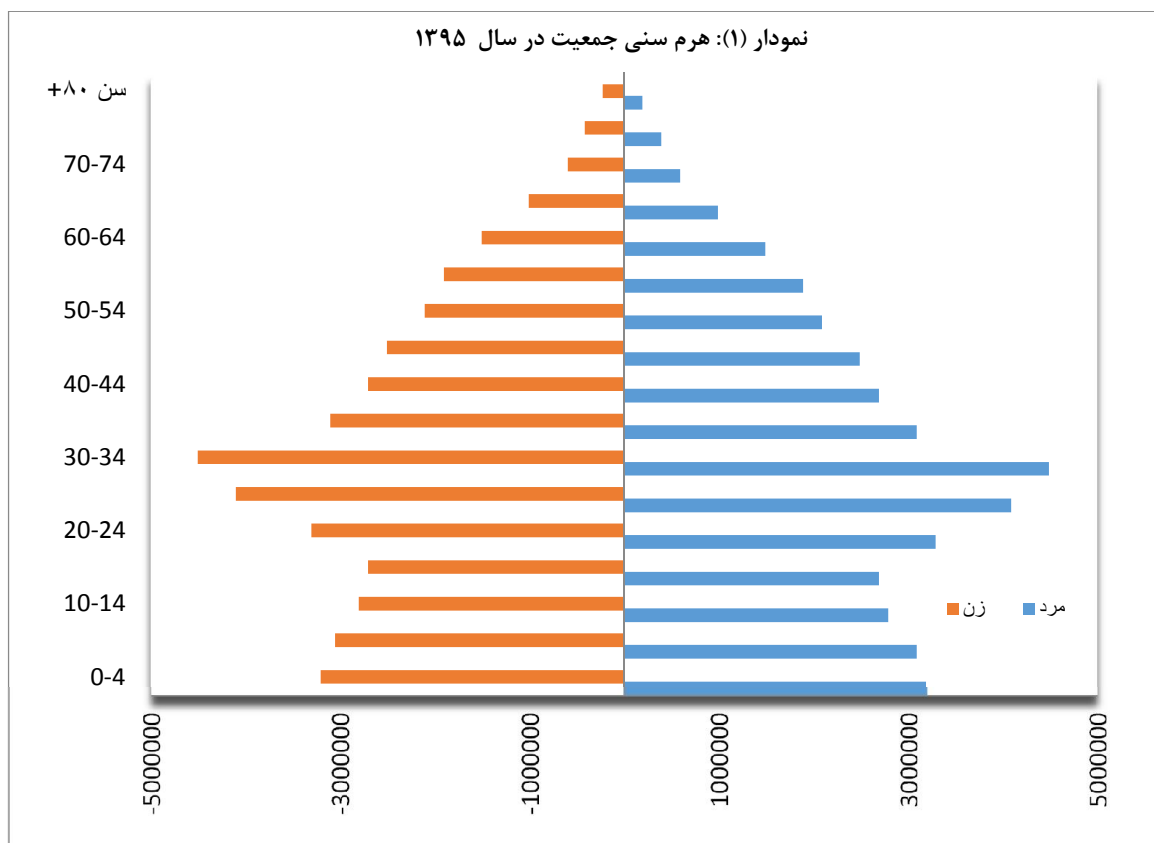
۱ کرباسی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۱

۲ تمامی اعضای (۱۰ ساله و بیش‌تر) خانوارها که شاغل و یا بیکار (جویای کار) نبوده‌اند

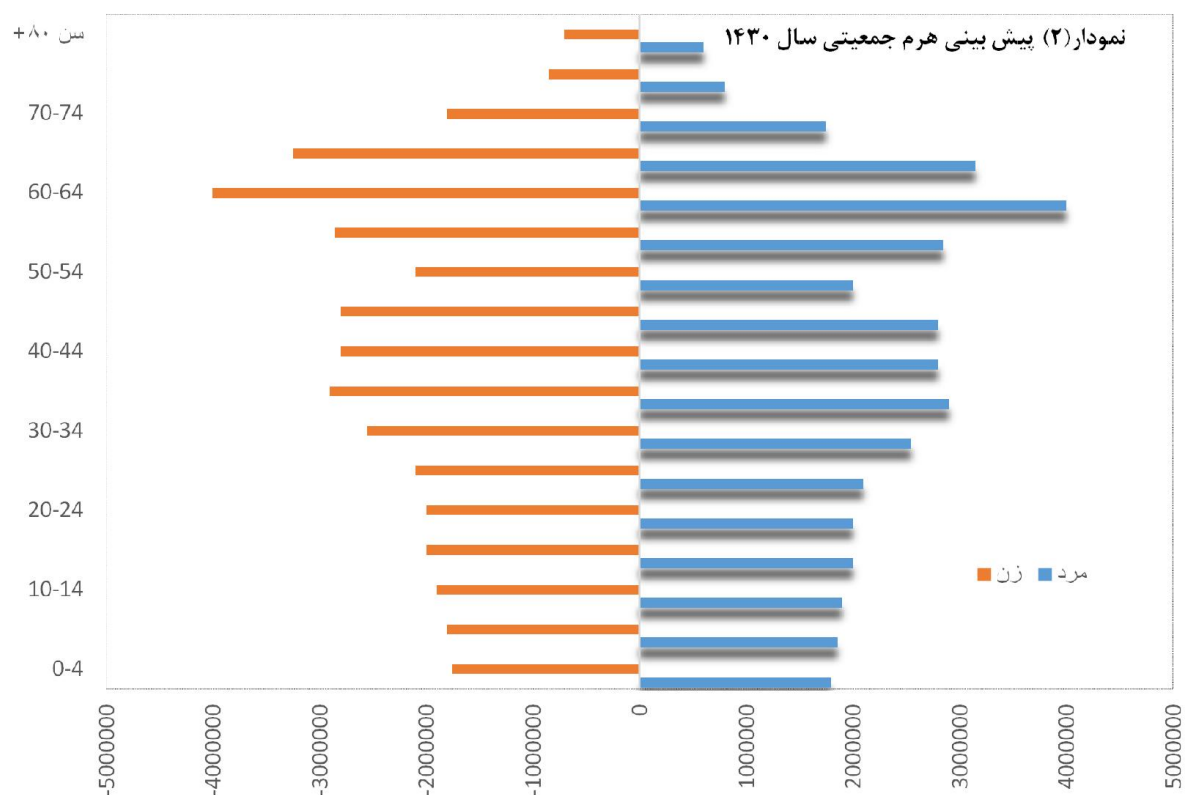
۳ Demographic Window of Opportunity

۴ سلیمی، دیلمی، گلاوش، پنجره جمعیتی یک مهبت یا یک موهبت پدیده ای مشکل افزا، کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، ۱۳۹۴.

۵ میانگین سنی متوسط سن افراد یک جامعه است



مأخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران



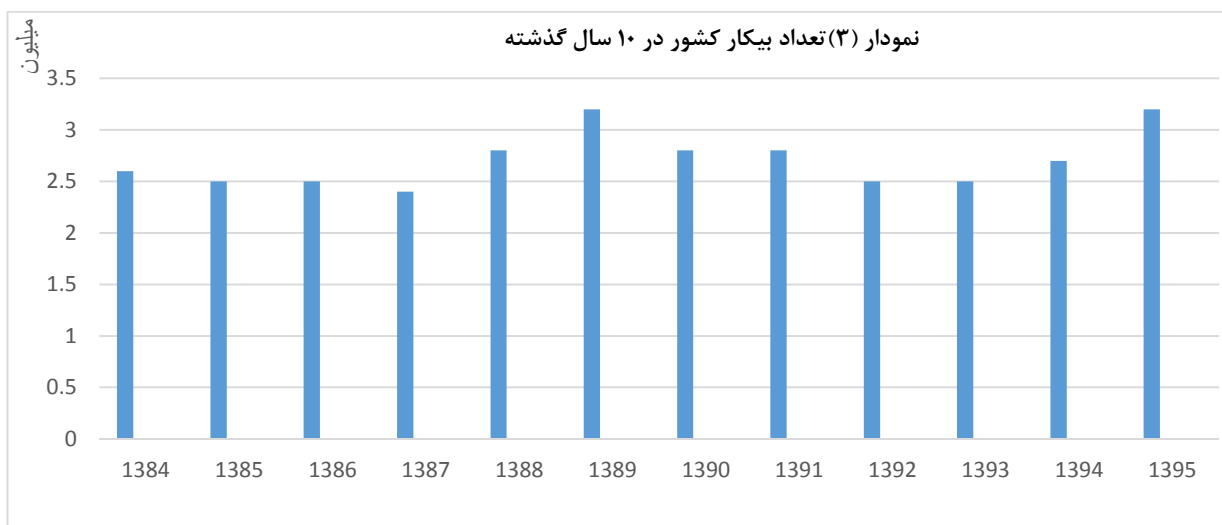
مأخذ: رصدخانه ملی علم و فناوری پژوهشگاه دانش پژوه

۲- وضعیت بازار کار و اشتغال کشور

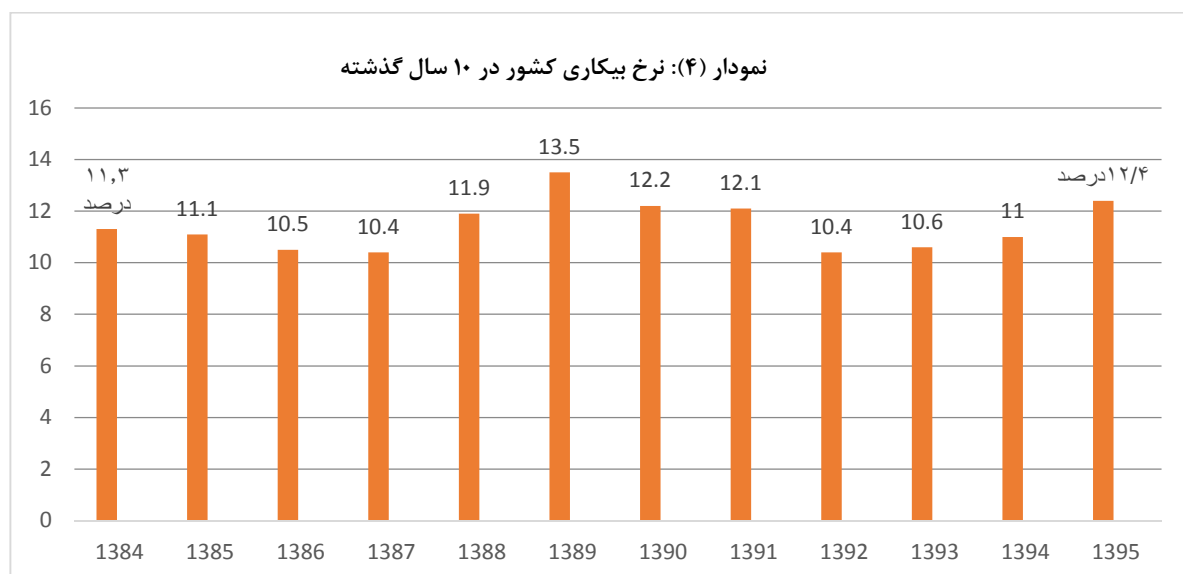
۲-۱- جمعیت و نرخ بیکاری^۶ کشور

بررسی‌ها نشان می‌دهد تعداد بیکاران ده سال گذشته در کشور، سالانه در بازه ۲/۴-۳/۲ میلیون نفر و همچنین نرخ بیکاری بین ۱۴-۱۰ درصد متغیر بوده است. با مقایسه نرخ بیکاری و تعداد بیکاران به این نتیجه می‌رسیم که تعداد بیکاران تقریباً همگام با نرخ بیکاری سالانه است. در شرایط حاضر در سال ۱۳۹۵ نرخ بیکاری در کشور برابر با ۱۲/۴ درصد و همچنین جمعیت بیکار کشور نیز به حدود ۳/۲ میلیون نفر رسیده است.

البته باید توجه داشت در یک فصل نرخ بیکاری کاهش می‌یابد، اما این کاهش را نمی‌توان به عنوان سیگنال از بهبود شرایط کسب و کار در نظر داشت؛ زیرا ممکن است افراد به دلیل کیفیت پایین کار یا نیافتن کار مناسب تصمیم به خروج بازار کنند، بدین معنی که با نیافتن شغل جز جمعیت غیر فعال کشور شوند و مجدداً در فصول آتی به بازار برگردند.



مآخذ: طرح آمارگیری از نیروی کار سال ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران



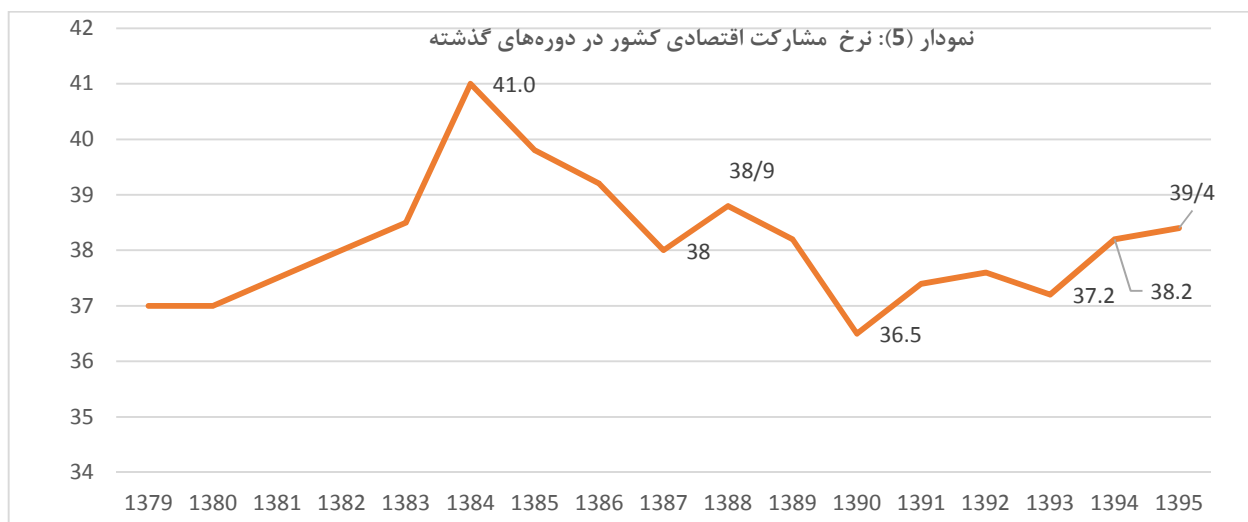
مآخذ: طرح آمارگیری از نیروی کار سال ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران

^۶ نسبت افراد بیکار یا در جستجوی کار به جمعیت واقع در سن فعالیت (۱۰ ساله و بیشتر)

۲-۲- نرخ مشارکت اقتصادی^۷

آخرین آمار کار کشور در سال ۱۳۹۵ حکایت از نرخ مشارکت اقتصادی ۳۹/۴ درصدی دارد. در واقع حدود ۳۹/۴ درصد از جمعیت در سن کار کشور، حاضر به عرضه کار خود در بازار کشور هستند که این شرایط خود معضلی برای کشور محسوب می شود؛ زیرا بخش بزرگی از افراد سن کار کشور حاضر نیستند کار خود را عرضه کنند و شرایط حضور برای فعالیت در بازار کار، عمدتاً به دلیل ادامه تحصیلات و عدم وجود شغل با کیفیت ندارند و جمعیت غیر فعال محسوب می شوند. هر چه نسبت جمعیت غیر فعال به جمعیت کل بیشتر باشد، عاملی برای بروز نابسامانی های اجتماعی است. همچنین نکته مهمی باید توجه داشته باشیم این است که چنانچه نرخ مشارکت افزایش یابد و تمهیداتی برای ایجاد اشتغال اندیشیده نشود، جمعیت بیکار و نرخ بیکاری افزایش می یابد. در نمودار شماره (۵) نرخ مشارکت اقتصادی نشان می دهد طی ۵ سال گذشته این نرخ در حال افزایش است.

علاوه بر اشتغال زایی پایین در دهه گذشته و افزایش جمعیت جوان و غیر فعال کشور، «نسبت کل جمعیت به تعداد شاغلان»^۸ به ۳/۶ نفر رسیده است که این رقم در مقایسه با میانگین جهانی بسیار بالا است. افزایش این نسبت طی سال های اخیر به معنای دشواری تأمین نیازهای خانوارها و در نتیجه گسترش فقر است.



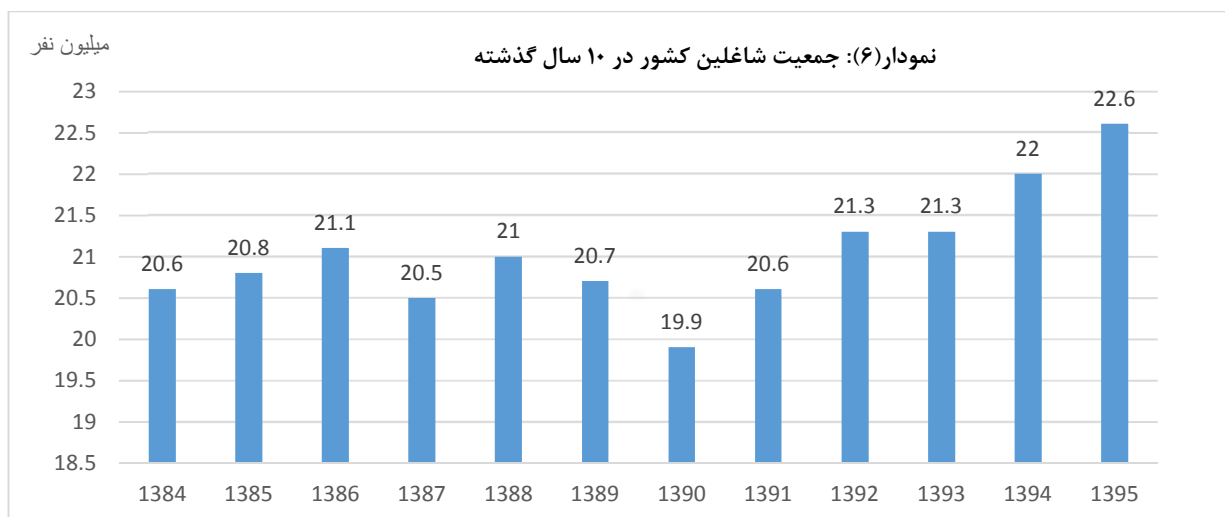
مأخذ: طرح آمارگیری از نیروی کار سال ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران

۲-۳- جمعیت شاغلین کشور

در نمودار شماره (۶) تعداد شاغلین کشور طی سال های ۱۳۸۴-۱۳۹۵ نشان داده شده است. شواهد این موضوع را آشکار می کند که طی دهه جاری جمعیت شاغلین از ۲۰/۶ میلیون در سال ۱۳۸۴ به ۲۲/۶ میلیون در سال ۱۳۹۵ رسیده است. نکته قابل ذکر این است که تفاوت تعداد شاغلین سال ۱۳۸۴ با سال ۱۳۹۵ حدود ۲ میلیون نفر است، یعنی در ۱۰ سال گذشته از نظر اشتغال زایی عملکرد مطلوبی در کشور صورت نگرفته است. با بررسی هرم جمعیتی، حدود ۴۰ درصد گروه های سنی در کشور در سال ۱۳۹۵، افراد جوان بین ۱۵ تا ۳۴ سال تشکیل داده اند، که نسبت به سهم گروه های سنی گذشته بی سابقه است. افزایش کم تعداد شاغلان طی ده سال گذشته و همزمانی آن با موج جمعیت جوان کشور و تحصیل کرده کشور، به خودی خود بیانگر نیاز اقتصاد ایران برای اشتغال زایی قابل توجه طی سال های آتی است.

^۷ نسبت جمعیت فعال (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیش تر به جمعیت در سن کار، ۱۰ ساله و بیش تر

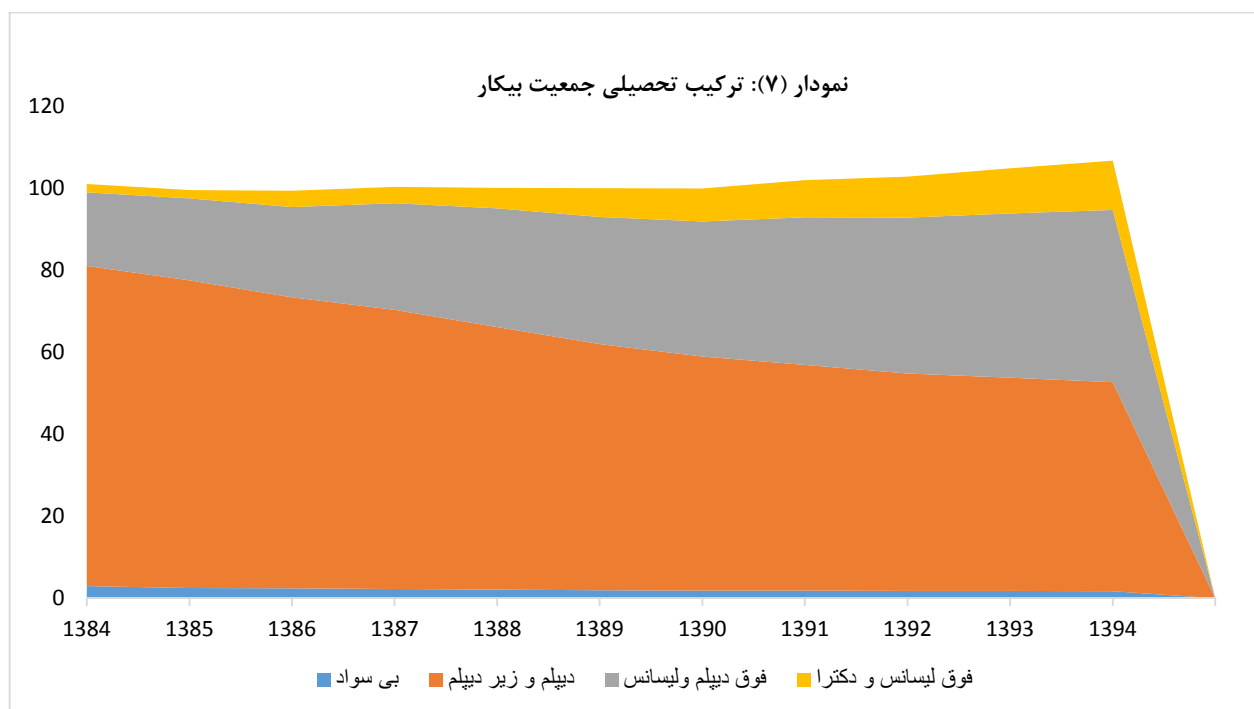
^۸ نسبت کل جمعیت به تعداد شاغلان به این معناست که به طور متوسط هر فرد شاغل تأمین کننده چند نفر است. نتایج نشان می دهد: این متغیر طی سال های ۱۳۹۳-۱۳۸۴ از ۳/۳ به ۳/۶ رسیده است. متوسط جهانی این نسبت در سال ۲۰۱۰ء ۲/۳ درصد بوده است. در بسیاری از کشورها، به خصوص کشورهای شرق آسیا و کشورهای پیشرفته این نسبت از متوسط جهانی نیز پایین تر است.



مأخذ: طرح آمارگیری از نیروی کار سال ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران

۲-۴- ترکیب تحصیلی جمعیت بیکار کشور و سطح تحصیلات شاغلان کشور

شرایط در کشور به گونه‌ای است که فضا برای اشتغال افراد دارای تحصیلات عالی مناسب نیست و مشاغل موجود عمدتاً با نیروی کار غیر تحصیل کرده سازگار است. درحالی که یکی از ویژگی‌های جمعیت جوان در سال‌های اخیر، دارا بودن تحصیلات دانشگاهی است. لذا در سال‌های پیش رو علاوه بر اینکه لازم است کمیت شغل‌های ایجاد شده زیاد باشد، لازم است به کیفیت یا نوع این شغل‌ها نیز، توجه شود بدین معنی که اقتصاد ایران طی سال‌های آتی نیازمند فرصت‌های شغلی با تعداد زیاد و مناسب برای افراد دارای تحصیلات عالی است. همانطور که در نمودار شماره (۷) مشاهده می‌شود، در حال حاضر تقریباً نیمی از بیکاران کشور را افراد تحصیل کرده تشکیل می‌دهند و روند بیکاران تحصیل کرده در حال افزایش است. در واقع آموزش عالی بجای اینکه سرمایه‌های انسانی ایجاد کند و به سمت بهره‌وری کار حرکت کند، بیکاران تحصیل کرده تولید کرده است. توجه به این نکات در سیاست‌گذاری برای اشتغال‌زایی بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند تمرکز و مسیر سیاست‌گذاری را تغییر دهد.



مأخذ: طرح آمارگیری از نیروی کار سال ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران

۵-۲- نرخ بیکاری زنان و مردان در گروه‌های سنی مختلف

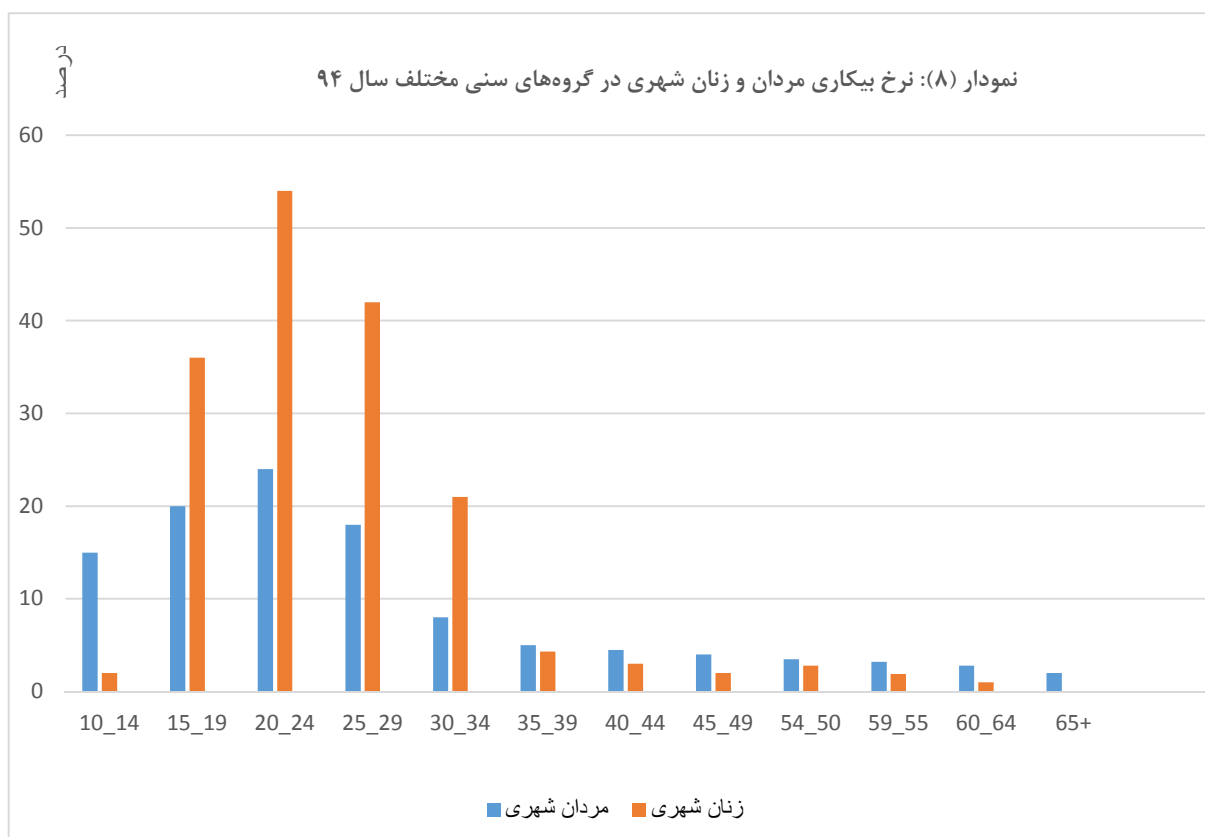
طبق شواهد نرخ بیکاری زنان شهری (۲۰-۲۴) سال، بیش از ۵۰ درصد است. در واقع از ۲ نفر زن در جامعه شهری که به دنبال کار هستند، ۱ نفر موفق به اشتغال می‌شود. همچنین نرخ بیکاری برای مردان شهری (۲۰-۲۴) سال، بیش از ۲۰ درصد است که مبین شرایط سخت برای پیدا کردن شغل برای جوانان است. همچنین نرخ بیکاری زنان روستایی (۲۰-۲۴) سال، کمتر از ۳۰ درصد و برای مردان روستایی (۲۰-۲۴) سال، کمتر از ۱۳ درصد است، که نشان می‌دهد مردان و زنان روستایی راه هموارتری نسبت به جمعیت شهری برای دستیابی به اشتغال دارند. البته باید توجه داشت شهرها کیفیت اشتغال بالاتری نسبت به روستاها دارند.

در نمودار شماره (۹) و (۱۰) نرخ بیکاری در گروه‌های سنی مختلف و به تفکیک شهری-روستایی و جنسیت، نشان داده شده است، با بررسی نمودارها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

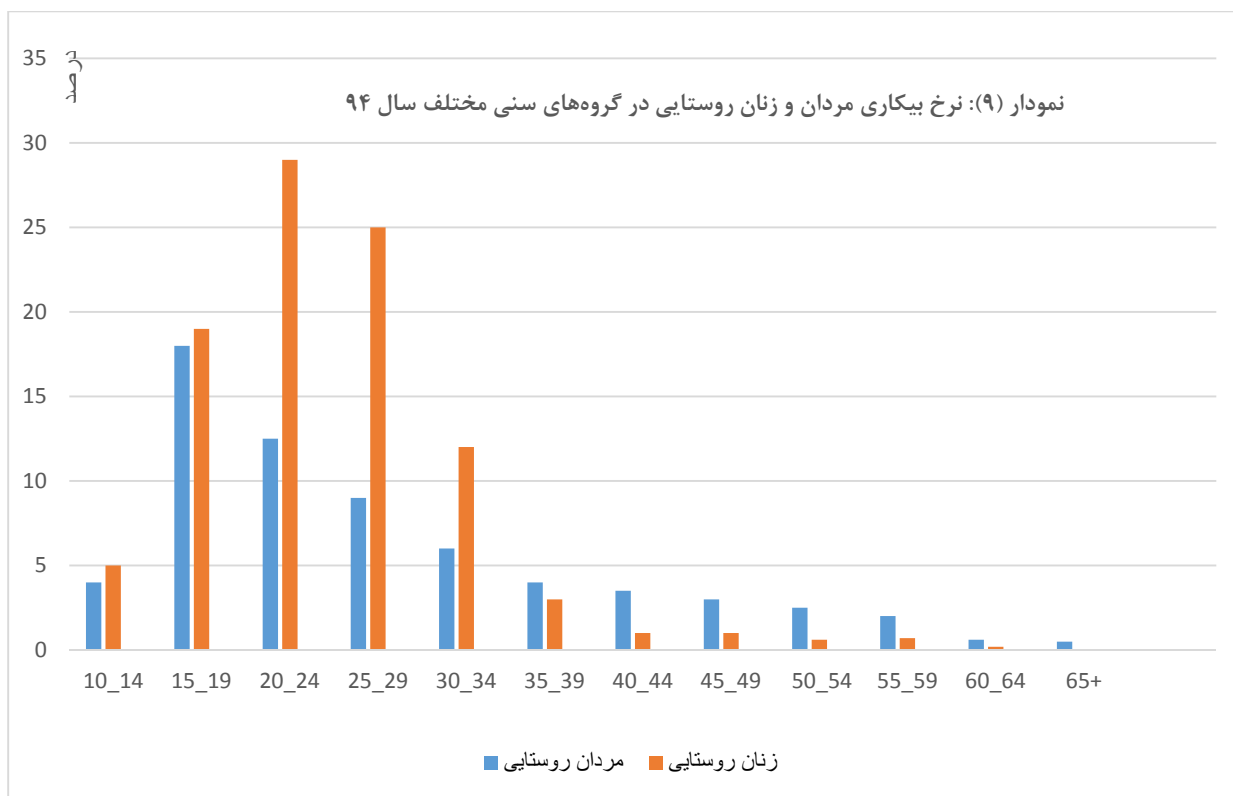
الف. نرخ بیکاری در شهر بیشتر از روستا است.

ب. با وجود نرخ مشارکت پایین زنان نرخ بیکاری زنان با اختلاف زیادی بیشتر از مردان است.

ج. نرخ بیکاری در گروه جوانان بسیار بیشتر از سایر گروه‌های سنی است.



مآخذ: طرح آمارگیری از نیروی کار سال ۱۳۹۴، مرکز آمار ایران



۲-۶- رشد نرخ مشارکت زنان فارغ التحصیل دانشگاهی و افزایش بیکاری در کشور

در کنار موقعیت خاص هرم سنی جمعیت کشور، باید به مقوله افزایش نرخ مشارکت زنان توجه ویژه‌ای داشت. با توجه به افزایش نیروی کار و همچنین افزایش نرخ مشارکت زنان، ایجاد می‌کند دولت جهت‌گیری و سیاست‌های معطوف به بازار کار و اشتغال‌زایی ایجاد کند. در حال حاضر بر اساس نتایج مرکز آمار کشور نرخ بیکاری کل زنان ۲۰/۷ درصد است.^۹ با توجه به افزایش زنان در آموزش‌های عالی، نیاز به کار برای معیشت زندگی، بالا رفتن سن ازدواج، مشارکت زنان در اشتغال بیشتر شده، همچنین نرخ بیکاری افزایش می‌یابد.

۲-۷- افزایش مهاجرت از روستا به شهرها و افزایش نرخ بیکاری شهرها

بر اساس نتایج آمار نفوس مسکن سال ۱۳۹۵، میزان شهرنشینی افراد در سال ۹۰ از ۷۱/۴ درصد به ۷۴ درصد در سال ۹۵ رسید. عدم توازن فرصت‌های اقتصادی بین بخش‌های روستایی و شهری سبب شده مهاجرت از روستا به سمت شهرهای خصوصاً بزرگ صورت پذیرد، با توجه به نیروی جوان و جویای کار در شهرها و عدم پذیرش این افراد در واحدهای تولیدی، منجر به جذب این افراد در واحدهای غیر مولد و عمدتاً بخش‌های واسطه‌گری می‌شود. در این شرایط نرخ بیکاری مناطق شهری همچنان افزایش می‌یابد.

^۹ نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۵

۳- نرخ بیکاری در صورت تداوم وضعیت جاری

محاسبات طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران در مؤسسه آموزش عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی نشان می‌دهد، اگر وضعیت دهه‌های گذشته همچنان ادامه داشته باشد، نرخ بیکاری کل تا سال ۱۴۰۰ به رقم ۱۴/۴ درصد می‌رسد و نرخ بیکاری کل جوانان تحصیل کرده تا سال ۱۴۰۰ به ۳۶/۴ درصد می‌رسد و این رقم برای زنان تحصیل کرده بسیار بالا و در حدود ۴۸/۵ درصد خواهد بود.

جدول (۱): نرخ بیکاری در صورت تداوم وضعیت یک دهه گذشته در بازار کار و اقتصاد کشور

نرخ بیکاری در سال ۱۴۰۰	گروه
۱۴,۴	کل جمعیت بالای ۱۰ سال
۳۶,۴	جوانان ۲۰ تا ۳۴ سال تحصیل کرده
۴۸,۵	جوانان ۲۰ تا ۳۴ ساله تحصیل کرده-زنان

مأخذ: طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

۴- تعداد شغل مورد نیاز برای تداوم نرخ بیکاری کنونی

ورود بخشی از جمعیت غیر فعال ۲۵ تا ۳۴ ساله (زنان شهری تحصیل کرده و مجرد و مردان شهری) به بازار کار، ورود جمعیت ۲۰ تا ۲۴ ساله کنونی به گروه‌های سنی بالاتر و نیاز به موقعیت‌های شغلی جدید و همچنین افزایش نرخ مشارکت جمعیت ۲۰ تا ۲۴ ساله جدید در سال‌های آتی، سه تحولی است که می‌تواند افزایش قابل ملاحظه جویندگان کار در سال‌های پیش رو را در پی داشته باشد. این تصویر از سمت عرضه نیروی کار نیازمند تحول در سمت تقاضای نیروی کار و افزایش قابل توجه فرصت‌های شغلی است. با توجه به تحولات ذکر شده در سمت عرضه نیروی کار، برآوردها نشان می‌دهند، برای آنکه نرخ بیکاری طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ از میزان ۱۲ درصد بالاتر نرود، لازم است به طور متوسط در هر سال ۶۸۵ هزار شغل ایجاد شود. این میزان ایجاد شغل، یکی از بالاترین تعداد در اقتصاد ایران از منظر اشتغال‌زایی است. بنابراین حفظ نرخ بیکاری کنونی نیز خود به تحولات جدی در عرضه سیاست‌گذاری اقتصادی نیاز دارد.

جدول (۲): تعداد شغل مورد نیاز برای تداوم نرخ بیکاری کنونی

گروه	تعداد شغل مورد نیاز برای ثابت ماندن نرخ بیکاری طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ در ارقام فعلی	متوسط نرخ بیکاری در سال‌های اخیر
کل جمعیت بالای ۱۰ سال	۶۸۵ هزار نفر	۱۱/۲-۱۲/۴
مردان	۵۶۸ هزار نفر	۸/۶-۹/۵
زنان	۱۱۷ هزار نفر	۱۹/۶-۲۰/۲

مأخذ: طرح جامع مطالعات اقتصاد ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

۵- پنجره جمعیتی ایران

وقوع پدیده پنجره جمعیتی در هر کشور از قبل قابل پیش‌بینی است. در تاریخ هر کشوری این پدیده معمولاً یک بار روی می‌دهد. اگر از این فرصت تاریخی به درستی استفاده شود، می‌توان کشوری در حال توسعه را به کشوری توسعه یافته تبدیل کند در صورت استفاده نکردن از این فرصت، این پدیده تبدیل به تهدیدی برای آینده آن کشور خواهد شد و مشکلات و معضلاتی به مراتب پیچیده‌تر را ایجاد می‌کند که می‌تواند هر کشوری را تا سال‌های سال به مشکلات و عقب افتادگی‌های سنگینی دچار کند.

در دوران پنجره طلایی، تولد نرخ پایینی دارد و از طرفی تعداد افراد بالای ۶۵ سال، درصد کمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، با توجه به انبوه فارغ التحصیلان و جوانان دارای مهارت و توانایی کار کردن، این شرایط می‌تواند منشا خیر و تحولات اقتصادی در کشور باشد، در حال حاضر کمتر از یک سوم جمعیت کشور خارج از فعالیت هستند که شامل افراد زیر ۱۵ سال و افراد بالای ۶۵ سال می‌باشد. جمعیت در سن کار در سال ۱۳۸۴ برابر با ۴۶/۸ میلیون نفر بود، که با ۶/۵ میلیون رشد در سال ۱۳۹۴ به ۵۳/۳ میلیون نفر رسیده است. در این شرایط ما از

نیروی کار جوان و آماده بسیار خوبی در کشور بهره‌مندیم تا بتوانیم از این فرصت طلایی بهترین استفاده شود. در جدول شماره (۳) درصد گروه‌های عمده سنی کشور در سال ۹۵ را نشان می‌دهد در این شرایط حدود ۶۹/۹ درصد جمعیت کشور بین ۶۵-۱۵ سال سن دارند. سیاست‌گذاری در دوره‌ای که دریچه‌ی جمعیتی باز است به طور خاص باید بر عرضه و تقاضای نیروی کار متمرکز باشد. از بعد عرضه، سیاست‌های اتخاذ شده باید به تکوین یک نیروی کار سالم، ماهر و با انگیزه بیانجامد،^{۱۰} یعنی سیاست‌ها باید به ایجاد شرایط مساعد (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) برای جذب و اشتغال مولد نسل‌های بزرگ ناشی از باروری سطح بالای گذشته که در حجم زیاد وارد نیروی کار می‌شوند، کمک کند.

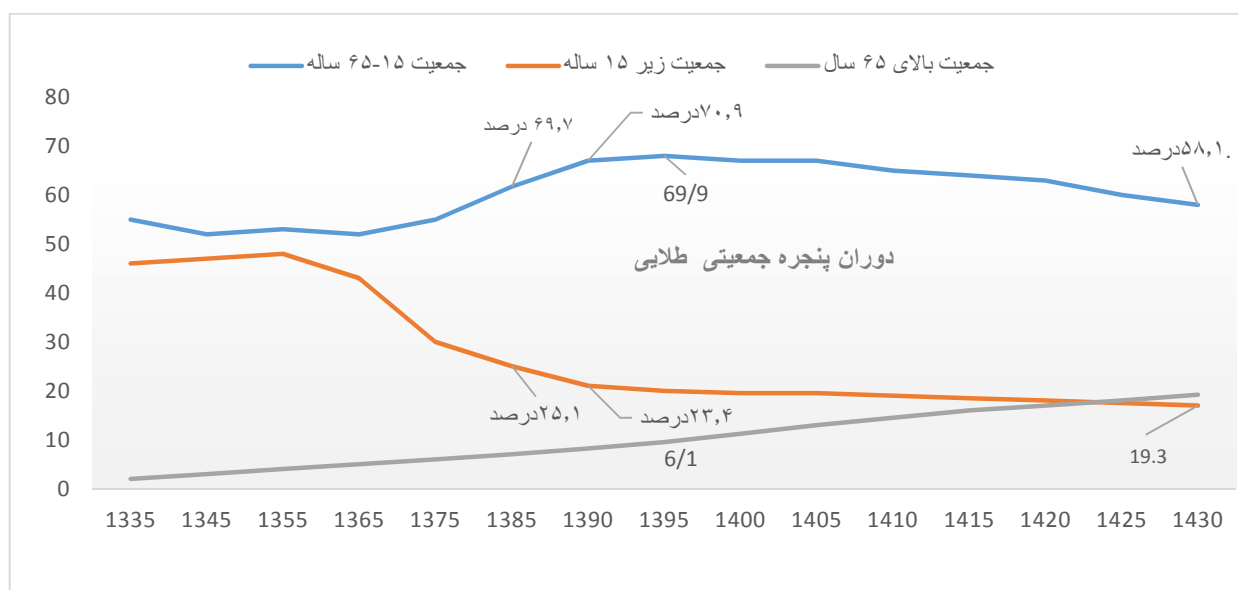
جدول شماره (۳): گروه‌های عمده سنی کل کشور در سال ۱۳۹۵

گروه های عمده سنی کل کشور	۱۴-۰	۲۹-۱۵	۶۴-۳۰	+۶۵
سال ۱۳۹۵	۲۴/۰	۲۵/۱	۴۴/۸	۶/۱

مأخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران

طبق نمودار شماره (۱۰) دوران پنجره جمعیتی کشور که از سال ۱۳۸۵ شروع شده و طبق پیش بینی ها در سال ۱۴۳۰ به پایان می‌رسد. معجزه اقتصادی در کشورهای جنوب شرقی آسیا که توانستند از این فرصت طلایی به خوبی استفاده کنند و تحول بزرگی در اقتصاد خود بدهند. همچنین فاجعه اقتصادی امریکای لاتین می‌تواند مثال خوبی از نادیده گرفتن این فرصت طلایی باشد. در نمودار شماره (۱۰) شروع دوره پنجره جمعیتی و پایان دوره در کشور نشان داده شده است.

نمودار (۱۰) تحولات ساختار سنی جمعیت تا سال ۱۴۳۰ (پنجره جمعیتی ایران)



مأخذ: پیش بینی نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران

۵-۱- فرصت‌های پنجره جمعیتی با توجه به هرم جمعیتی ناموزون ایران

الف- در پنجره جمعیتی، نسل انفجار تولدها باروری پایین‌تری دارند، در نتیجه خانواده‌های کوچک‌تری شکل می‌گیرد، در این شرایط خانواده‌ها سرمایه‌گذاری بیشتری روی فرزندان خود انجام می‌دهند. از این رو تقاضا از کمیت به سمت کیفیت فرزندان پیش می‌رود. با این شرایط

^{۱۰} سلیمی دیلمی، گلاوش. پنجره جمعیتی یک مهبت یا یک موهبت پدیده‌ای مشکل‌افزا. دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی، ۱۳۹۴.

این دوره فرصت مناسب برای سرمایه‌گذاری در بهداشت، آموزش و بهره‌وری از سرمایه انسانی فعالیت‌های زیربنایی و توسعه پایدار فراهم می‌شود. لازمه کامل شدن این پروسه، بسترهای مناسب اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نهادی است.

ب- افزایش جمعیت در سنین فعالیت منجر به افزایش نسبت تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان می‌شود. این شرایط برای رشد تولید سرانه مطلوب است و منجر به تولید اشتغال می‌شود. با توجه به نیروی کار در حال رشد و فراوانی، می‌توانیم بهره‌وری و تولید را افزایش دهیم و از سوی دیگر با توجه به الگوی چرخه زندگی و تغییرات ساختار سنی منجر به افزایش تولید، ارزش افزوده و پس انداز شویم.

ج- پنجره جمعیتی در هر کشوری دوره زمانی موقتی است، که بهره‌گیری صحیح از آن می‌تواند به بهبود شرایط اقتصادی یاری رساند. در عین حال ضعف مدیریت و اتخاذ سیاست‌های نادرست می‌تواند کشور را با چالش‌ها و ضعف‌هایی روبرو کند. بیکاری و فقدان فرصت‌های شغلی و سرمایه‌گذاری کافی مهم‌ترین چالش جمعیتی در دوره پنجره جمعیتی کشور است^{۱۱}. گسترش فرصت‌های شغلی و فراهم کردن فرصت‌هایی برای حضور زنان در بازار کار می‌تواند بسترهایی برای بهره‌برداری از فرصت طلایی جمعیت ایجاد کند.

د- پنجره جمعیتی فرصت و پتانسیلی بالقوه محسوب می‌شود که بالفعل شدن آن نیازمند محیط و بستر اجتماعی، سیاسی و اتخاذ خط مشی‌های مناسب است. صرف گشوده شدن پنجره جمعیتی نمی‌تواند، موجب رشد و توسعه اقتصادی شود. بهره‌برداری از پنجره جمعیتی به طور خودکار از آثار منفی دوره سالمندی در آینده جلوگیری می‌کند و سالمندی سالم، فعال و موفقیت‌آمیزی را به دنبال دارد.

در جدول شماره (۴) طول پنجره جمعیتی، شروع و پایان این دوره در ایران و برخی از کشورها نشان داده شده است. همانطور که ملاحظه می‌کنید طول دوره پنجره جمعیتی ایران نسبت به کشورهای همسایه طولانی‌تر است. در این شرایط دوره پنجره جمعیتی کشور کره در حال بسته شدن است، در واقع این کشور می‌تواند مثال خوبی از کشوری که توانست از این دوره طلایی خود، به خوبی استفاده کند و توسعه اقتصادی و پیشرفت و اشتغال به‌همراه آورد.

جدول شماره (۴): زمان، شروع، پایان و مدت پنجره طلایی در برخی از کشورها

کشورها	زمان آغاز	زمان پایان	مدت (سال)
ایران	۲۰۰۵	۲۰۴۵	۴۰
ترکیه	۲۰۰۵	۲۰۴۰	۳۵
کره	۱۹۸۵	۲۰۲۰	۳۵
مالزی	۲۰۱۰	۲۰۴۵	۳۵
عراق	۲۰۳۵	۲۰۴۰	۳۵

ماخذ: سازمان ملل متحد ۲۰۰۹

۶- چالش‌های اشتغال در مواجهه با افزایش جوانان کشور

الف. در سال‌های آینده با توجه به جوانانی که تحصیلات دانشگاهی را در مدارج بالاتر ادامه دادند، علاوه بر تعداد شغل، به نوع و کیفیت شغل نیز باید توجه ویژه‌ای کرد. در این شرایط مشاغل ساده مثل مشاغل ساختمانی نخواهد توانست نقشی در کاهش بیکاری ایفا کند.

ب. بخش اعظم از جذب نیروهای جویای کار مراکز دولتی از جمله بهداشت و درمان، آموزش و پرورش صورت پذیرفته، با توجه به نیروی مازاد آموزش و پرورش و بسیاری از بخش‌های دولتی از طرفی و از طرف دیگر کسری بودجه دولت مانع آن خواهد شد که این نهادها به طور مستقیم در کاهش بیکاری نقش ایفا کنند.

ج. با توجه به هرم جمعیتی، موج گسترده‌ای از متولدین دهه ۶۰ بخش عمده‌ای از منابع کشور صرف سرمایه‌گذاری در بخش آموزشی، مسکن آنان می‌شود با این شرایط منابع کمتری را برای ایجاد اشتغال دولت خواهد داشت.

د. ایجاد شغل تنها شرط لازم و نه کافی، آن چه این شرط را کامل می‌کند، ایجاد درآمد است. باید فکر کنیم چگونه اقتصاد کشور ما می‌تواند اشتغال سالانه ایجاد کند که رفاه نسبی به همراه داشته باشد. تحقق این امر نیازمند رشد اقتصادی بالای ۱۰ درصد در یک دوره ده ساله می‌باشد که این امر با شرایط کنونی کشور بسیار سخت و دست نیافتنی است.

^{۱۱} منبع: صادقی رسول دنیای اقتصاد شماره ۳۱۲۹، ۱۶/۱۱/۱۳۹۲

ه. یکی از بخش‌هایی که در کشورها به عنوان بستر توزیع درآمد و ایجاد کارآفرینی مورد توجه قرار گرفت، بخش‌های خدماتی در آن کشورها بود. از آنجایی که این بخش‌ها نیازمند کاربر می‌باشد و کمتر در حال منسوخ شدن می‌باشند، کشور ما در این بخش‌ها محدود ماند. مثلاً در بخش‌های گردشگری با بن بست رشد مواجه شد.

۷- چالش‌های سیاست‌ها و مقررات بازار کار

ایران یکی از کشورهایی است که کسب و کار در آن به سهولت انجام نمی‌شود. آمار بانک جهانی از سهولت کسب و کار نشان می‌دهد رتبه ایران ۱۵۲ در میان ۱۸۹ کشور است. یکی از مشکلات فضای کسب و کار در ایران، به مسایل حقوقی و قانونی مربوط می‌شود. تعدد و عدم جامع نگری قوانین و عدم بازبینی قوانین مصوب دوره‌های گذشته، به منظور تطبیق با شرایط فعلی، باعث شده تا فضای حقوقی کسب و کار، شامل قوانینی که ضمن سرگردانی فعالان اقتصادی، اثربخشی فعالیت‌ها را کاهش می‌دهد و در کنار سایر شاخص‌های کسب و کار، شرایط را برای فعالیت‌های اقتصادی، مشکل و سخت می‌کند. زمانی سیاست‌ها و مقررات که چالش‌هایی در بازار کار و اشتغال جوانان ایجاد می‌کند، حساس‌تر می‌شود که کشور با انبوه نیروی کار مواجه است و زمان کمی برای حل موضوع بازار کار و اشتغال دارد و تا چند دهه دیگر وارد جمعیت پیری می‌شود. لازم است این آسیب‌ها در بازار کار مرتفع شود، در غیر این صورت اثرات مقررات و سیاست‌های بی‌اثر، کشور را دچار بحران اقتصادی و اشتغال و به طبع آن مشکلات اجتماعی می‌کند. در ذیل مواردی از مشکلات قانونی و چالش‌هایی که محیط کسب و کار کشور با آن مواجه شده، اشاره کردیم.

- رویه کلی قوانین و سیاست‌ها جهت اشتغال‌زایی، تزریق منابع مالی و ایجاد حجمی از تعهدات مالی بر دوش دولت و سیستم بانکی است.
- اولویت‌بندی مشخصی در ارائه تسهیلات به بنگاه‌های اقتصادی وجود نداشته است.
- آموزش‌های دانشگاهی و فنی و حرفه‌ای هر منطقه، متناسب با بازار کار و مزیت نسبی تولیدی و ارزش افزوده آن منطقه نبوده است.
- قوانین حمایتی به گونه‌ای طراحی شده است که بیشتر تعارض منافع را ایجاد می‌نماید تا تفاهم و تعادل روابط بین کارگر و کارفرما.
- فرهنگ کار و تقویت آن مغفول مانده است.
- نحوه هماهنگی و تعامل بین نهادهای ذیربط قوانین تصریح نشده است.
- موانع اداری، پیچیدگی‌ها و سخت‌گیری‌ها در حوزه مالیاتی بر روی بخش‌های خصوصی حاکم است.
- تغییرات در مقررات مربوط به محیط کسب و کار تکرار می‌شود.
- سهل‌انگاری دستگاه‌های اجرایی در اجرای قوانین و مقرراتی که در راستای بهبود فضای کسب و کار در مجلس به تصویب رسیده است

۸- راهکار و پیشنهاد های برای استفاده از فرصت پنجره جمعیتی و اشتغال زایی

۸-۱- سیاست های اقتصاد کلان^{۱۲}

محیط اقتصاد کلان تاثیر بسزایی بر کارآفرینان و کسب و کارها دارد. کشور با اتخاذ سیاست‌های مالی، ارزی و پولی برنامه ریزی شده می‌تواند، نقش مهمی در این سیاست‌ها رقم بزند. بی‌ثباتی اقتصاد کلان کارآفرینان را از راه اندازی کسب و کار منصرف می‌کند، سیاست کلان قدرتمند می‌تواند متضمن ورود سرمایه‌گذاران خارجی و اطمینان خاطر برای سرمایه‌گذاران داخلی شود و در نهایت، به رشد و توسعه کشور و افزایش اشتغال کارجویان همراه شود. در ذیل به ۶ مورد اساسی که در تبیین سیاست‌های اقتصاد کلان قدرتمند نقش دارند اشاره می‌شود.

۸-۱-۱- تورم پایین و با ثبات

تورم می‌تواند به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی بی‌ثباتی اقتصاد کلان در نظر گرفته شود که به صورت یک پدیده منحصر به فرد و مزمن درآمدی است و در بطن خود بسیاری از ناکارآمدی‌ها و بی‌ثباتی‌ها در بخش‌های مختلف اقتصاد کشور به همراه دارد. اهمیت این معیار سنجش به گونه‌ای است که سطح تقاضای مناسب در اقتصاد را نشان داده و عامل اصلی رشد اقتصادی است. آفت تورم بالا ارزش قراردادهای بلندمدت را کاهش می‌دهد و در بازار نوعی بی‌اطمینانی به وجود می‌آورد که به تبع آن هزینه ریسک سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. مقایسه روند نرخ تورم

¹² macroeconomic stability

ایران و اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه حاکی از آن است که نرخ تورم همچنان از معضلات اصلی اقتصاد ایران است. در واقع تورم یکی از معضلات اصلی عدم سرمایه گذاری و اشتغال زایی در اقتصاد ایران است. تورم تک رقمی و پایدار به مجموعه ای از اصلاحات در زمینه بانک مرکزی، شبکه بانکی و مالیه عمومی نیازمند است، تا مسیر کاهشی تورم به سمت تورم تک رقمی و پایدار برقرار شود.

۸-۱-۲- نرخ بهره بلند مدت پایین

در حالی نرخ بهره بلند مدت بالا، از تورم بالاتر در آینده حکایت دارد. نرخ بهره بلند مدت پایین انتظارات تورمی با ثبات را در آینده می توان انتظار داشت. براساس نظریه های اقتصادی، یکی از متغیرهای مهم در تصمیم گیری برای سرمایه گذاری، متغیر نرخ بهره است، یعنی کاهش نرخ بهره موجب افزایش سرمایه گذاری و در نهایت منجر به تولید و ثبات اقتصاد کلان می شود.

۸-۱-۳- نسبت پایین بدهی ملی به تولید ناخالص داخلی

نسبت پایین بدهی ملی به تولید ناخالص داخلی نشان می دهد دولت قدرت و انعطاف پذیری برای استفاده از درآمدهای مالیاتی اش در پرداختن به نیازهای داخلی کشور دارد. بدهی مالی پایین به دولت اجازه می دهد، سیاست های مالی ملایم در دوره های بحرانی اتخاذ کند و منابع مالی برای حمایت بخش های خصوصی وجود دارد.

۸-۱-۴- کسری بودجه پایین

کسری بودجه پایین مانع رشد بدهی ملی می شود، همچنین کسری بودجه در کشور نقدینگی و تورم را تحت تاثیر قرار می دهد. چنانچه هدف دولت کاهش نرخ تورم و تقویت اقتصاد کلان باشد، لازم است کسری بودجه را در سطح پایین نگه دارد.

۸-۱-۵- ثبات ارزش پول

ثبات ارزش پول به کارآفرینان اجازه می دهد استراتژی های رشد بلند مدت برای خود ترسیم کرده و ریسک نرخ ارز را مدیریت کنند. همچنین سبب ایجاد محیطی قوی و پایدار می شوند، که در این محیط افراد و شرکت ها توانایی شرکت در معاملات را پیدا می کنند.

۸-۱-۶- سیاست ارزی مناسب

در حال حاضر تعیین نرخ ارز، یکی از چالش های پیش رو دولت است. نرخ ارز در صورت انحراف می تواند تولید و اشتغال را تحت تاثیر قرار دهد، کاهش نرخ ارز واردات به کشور را افزایش می دهد، در نتیجه ظرفیت های تولیدی کشور بلا استفاده می ماند و نهایتاً تعطیلی مراکز تولیدی اتفاق می افتد. از طرف دیگر افزایش نرخ ارز واردات را کاهش و کالاهای داخلی جایگزینی کالاهای وارداتی می شود، در نتیجه قدرت رقابت پذیری تولیدکنندگان داخلی را افزایش و بهبود تولید و اشتغال به همراه دارد و فرصت رقابت کالاهای صادراتی کشور در بازارهای جهانی فراهم می شود. نرخ ارز در ردیف اولویت های سیاست گذاری کلان کشور قرار دارد و در کنار سیاست های پولی و مالی دولت می تواند بر نتایج واقعی اقتصاد تأثیرات مهمی برجای بگذارد. در شرایط فعلی به نظر می رسد کشور نیازمند نظام ارز مدیریت شده با هدف گذاری تورمی و سیاست های مکمل است، تا بتواند مشوق صادراتی و در عین حال مانع واردات بی رویه به کشور شود.

۸-۲- توسعه بنگاه های کوچک و متوسط

در دوره های که پنجره طلایی باز است، بنگاه های کوچک و توسعه کارآفرینی و خلق ایده های نو در تولید، نقش بسزایی در بهره بری از نیروهای جوان کشور در مسیر اشتغال و توسعه کشور دارند. درصد بالایی از نیروی کار هر کشور در بنگاه های کوچک و متوسط فعالیت می کنند و همین دلیل کافی است، تا دولت ها با حساسیت بالایی به عملکرد بنگاه های کوچک و متوسط نظارت داشته باشند.

اما آنچه درباره بنگاه های کوچک و متوسط حائز اهمیت است، ظرفیت آن ها در خلق فرصت های شغلی جدید و به کارگرفتن نیروهای بیکار در کشورهاست. که این مکانیسم منجر به تعدیل نرخ بیکاری می شود. براساس آمار کمیسیون اروپا ۸۰ درصد از خلق فرصت های شغلی جدید در پنج سال منتهی به سال ۲۰۱۲ بر عهده بنگاه های کوچک و متوسط بوده است. بیش از ۸۰ درصد خلق فرصت های شغلی جدید توسط بنگاه های کوچک و متوسط در کشور تحقق می یابد که این امر نقش بنگاه های کوچک و متوسط را در ایجاد اشتغال به خوبی نشان می دهد.

ایده های کارآفرینی و دانش بنیان در بستر بنگاه های کوچک و متوسط رشد و گسترش پیدا می کنند. به همین دلیل یک رابطه معنادار بین رونق بنگاه های کوچک و متوسط و توسعه کارآفرینی وجود دارد. به عبارت دیگر اگر کارآفرینی را یک فرآیند در نظر بگیریم، بنگاه های کوچک و

متوسط ابزار اجرایی آن در بخش‌های مختلف اقتصاد هستند که حمایت از این بنگاه‌ها به رشد و گسترش کارآفرینی منجر خواهد شد و شرایط بهره‌گیری از جوانان کشور در اشتغال و رشد و پیشرفت کشور مهیا می‌شود.

۳-۸- بهبود زیر ساخت ها و فضای کسب و کار^{۱۳}

گسترش فعالیت‌های شرکت‌ها و ایجاد مشاغل رسمی توسط بنگاه‌های کوچک و متوسط زمانی رخ می‌دهد که هزینه‌های کسب و کار (از مقررات گرفته تا بار مالیاتی سنگین و زیرساخت‌ها) کم و قابل پیش بینی باشند. حتی هنگامی که هزینه‌های بازار کم به نظر می‌رسد، هزینه‌های سایه برای کسب و کار نظیر کمبود دسترسی به تأمین مالی یا بازار و یا فساد می‌تواند خیلی بالا باشد. یک محیط سرمایه‌گذاری ضعیف و بی ثبات اغلب شرکت‌های کوچک و متوسط را که نقش مهم تری در اشتغال کشور ایفا می‌کنند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. در نتیجه، بسیاری از آن‌ها غیررسمی باقی می‌مانند و در بهره‌برداری از توان بالقوه خود برای توسعه و ایجاد شغل شکست می‌خورند.

یکی از مهمترین ابزارها برای بررسی وضعیت فضای اقتصادی بنگاه‌ها، شاخص‌های فضای کسب و کار است که فاکتورهایی مانند مدت زمان لازم برای شروع کسب و کار، اخذ مجوز، ثبت اموال، اخذ اعتبار، حمایت از سهام داران خرد، پرداخت مالیات، تجارت فرا مرزی، اجرای قراردادهای توانایی در پرداخت دیون را مد نظر قرار می‌دهد به طور کلی لازم است دولت توجه ویژه‌ای به ارتقای فضای کسب و کار داشته باشد. در کشورهای با درآمد پایین مسئله تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط حاد تر است.

تجربه موفق کشورها در ایجاد و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط نشان می‌دهد، که تدوین استراتژی توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط باید براساس یک سازوکار روشن و کارآ بین حاکمیت و فعالان بازار مالی کشور شکل گیرد. بانک‌ها در تحقق این استراتژی، به عنوان اصلی ترین نهاد تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط نقش مهمی را ایفا می‌کنند. از طرف دیگر به علت کارآ نبودن روش‌های سنتی بانکداری در مواجهه با بنگاه‌های کوچک و متوسط، بانکداری بنگاه‌های کوچک و متوسط به عنوان یک الگوی کاربردی در نظام بانکداری مورد توجه کشورها قرار گرفته و مطالعات گسترده‌ای در این باب صورت گرفته است.^{۱۴} برای مثال شواهد نشان می‌دهد، شکاف تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در کشورهای توسعه یافته کمتر است. در این کشورها، تأمین مالی شرکت‌های بزرگ عموماً از طریق بازار سرمایه و تأمین مالی شرکت‌های کوچک و متوسط از طریق بانک‌ها انجام می‌گیرد، اما در ایران به دلیل عدم پیشرفت بازارهای مالی، تأمین مالی شرکت‌های بزرگ عمدتاً از طریق بانک‌ها انجام می‌شود و از طرف دیگر به دلیل وجود تسهیلات تکلیفی، عملاً منابع ناچیزی برای تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط باقی می‌ماند. لذا تأمین مالی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط در مقایسه با شرکت‌های بزرگ مشکل تر است. این مسئله به ویژه در هنگام تأسیس چنین بنگاه‌هایی بیشتر رخ می‌نماید.

مطالعات و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهند یکی از بزرگترین موانع کسب و کارهای کوچک، دسترسی دشوار به منابع مالی و نبود سازوکارهای مناسب تأمین مالی برای این کسب و کارها است.^{۱۵} به عبارتی ضعف‌ها و ناتوانی‌هایی مانند کمبود منابع مالی و عدم جذب منابع مالی کافی، مشکلات موجود در ارائه ضمانت نامه‌های بانکی، به دست آوردن تسهیلات بانکی و همچنین بالا بودن نرخ سود تسهیلات از جمله دغدغه‌های این بنگاه‌ها در کشور است.

رفع این موانع با توجه به شرایط کشور که در دوره طلایی پنجره جمعیتی به سر می‌برد می‌تواند راه را برای توسعه کسب و کارهای کوچک هموار کند و در نتیجه اشتغال‌زایی جوانان را به همراه داشته باشد.

۴-۸- سیاست ها، نهادها و مقررات بازار کار^{۱۶}

وجود نهادهای کارآ از مهمترین عوامل زمینه ساز برای رشد و توسعه پایدار اقتصادی است. نهادهای منسجم و مکمل با ایجاد محیطی مناسب برای فعالان اقتصادی مسیری را شکل می‌دهند که در آن فرصت‌ها و انعطاف پذیری‌های بیشتری حاکم باشد و به دنبال آن کارکرد کارآی بازار شکل بگیرد. آثار اقتصادی می‌تواند، با تحت تأثیر قرار دادن روابط کارفرما و کارگران، مقررات و نهادهای بازار کار متفاوتی رقم بزند. برای درگیر شدن

¹³ investment climate

¹⁴ firm size and the business environment: worldwide survey results , ifc

^{۱۵} رسولیان، سمیرا و دیگران، الگوی مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، تأمین مالی کسب و کارهای کوچک و متوسط در آمریکا، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی شماره مسلسل ۱۴۸۴۳، سال ۱۳۹۵ ص ۱۰

¹⁶ labor market institutions

کارفرما و کارگر در یک رابطه کاری بلندمدت و بهره ور، یک مجموعه مقررات بی نقص (یا کم نقص) حیاتی است. کشور ما می تواند به طور مستقیم از دو طریق بر بهبود عملکرد بازار کار اثرگذار باشند:

۸-۴-۱- نهاده سازی و اصلاح قوانین و مقررات

از جمله مهمترین قوانین حوزه بازار کار در کشور عبارتند از:

قانون کار، قانون نظام هماهنگ بازنشستگی و وظیفه، قانون مربوط به خدمت نیمه وقت بانوان، قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، قانون معافیت کارگاه ها و مشاغل دارای پنج نفر کارگر و کمتر. تغییرات شرایط بازار کار در سال های اخیر (از نظر ترکیب جنسیتی، جمعیتی و تحصیلاتی) و شرایط اقتصاد کلان کشور، ایجاب می نماید تا اصلاحاتی در قوانین مذکور اعمال و تعدیلاتی صورت گیرد و شایسته است که این موضوع در برنامه های توسعه تصریح و تأکید شود.

۸-۴-۲- اعمال سیاست های فعال بازار کار

سیاست های فعال بازار کار تلاش می کند با افزایش عرضه و تقاضای نیروی کار و افزایش کارآیی تطبیق بازار کار، بیکاری را کاهش دهد. در ذیل به ۳ مورد آن اشاره شده است.

۸-۴-۲-۱- آموزش و مهارت

بررسی های جهانی نشان می دهند، بسیاری از کارفرمایان کمبود مهارت را محدودیت عمده ای برای توسعه کسب و کار و رشد بالقوه خود می دانند. افزایش کیفیت نیروی کار برای افزایش بهره وری و درآمد کارگران بسیار اساسی است. در حال حاضر خدمات آموزش دولتی با صرف هزینه های قابل توجه، به صورتی کم کیفیت و کم ارتباط با نیاز کارفرمایان ارائه می شود. نظام آموزشی کارآمد تحصیلی و مهارتی هم از نظر ایجاد توازن و تطابق میان طرفین عرضه و تقاضای نیروی کار (و در نتیجه تسهیل فرآیند جستجوی شغل)، هم از نظر افزایش تطابق مهارت شاغلان با کار در محیط کار (و در نتیجه افزایش بهره وری) و هم از نظر ایجاد زمینه های کارآفرینی دارای اهمیت است.

۸-۴-۲-۲- اعطای معافیت به کارفرمایان برای جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی

به دلیل ارتباط کم میان صنعت و دانشگاه و عدم رواج دوره های کارآموزی، بخشی از آموزش فارغ التحصیلان دانشگاهی در زمان اشتغال و در حین کار اتفاق می افتد و لذا کارفرمایان انگیزه بیشتری به جذب نیروهای با سابقه و حتی بازنشسته دارند. و تمایلی به جذب فارغ التحصیلان دانشگاهی ندارند. در این شرایط فارغ التحصیلان دانشگاهی به اشتغال کارهای غیرمرتبط روی می آورند. اعطای معافیت های تشویقی به کارفرمایان، انگیزه برای استخدام فارغ التحصیلان و جوانان می شود. در این شرایط معافیت مالیاتی یا معافیت بیمه ای برای کارفرمایان زمینه حضور جوانان در بسیاری از شرکت ها فراهم می شود.

۸-۴-۲-۳- توسعه منطقه ای اشتغال زایی

از دیگر مؤلفه های سیاست های فعال بازار کار، توجه به توسعه متوازن منطقه ای و ایجاد اشتغال پایدار است. در اجرای طرح های اشتغال زایی، استان ها و شهرستان هایی که دارای نرخ بیکاری بالاتر از میانگین کشوری هستند، در اولویت باشند.

۸-۵- تقویت بخش خصوصی و کوچک سازی دولت

در جهت اجرای قانون اصل ۴۴ بخشی از مراکز خدماتی و کارخانه های دولتی باید به بخش خصوصی و مردم واگذار شود. این امر منجر به توسعه سرمایه گذاری بخش های خصوصی و تعاونی و در مقابل کوچک کردن حجم سرمایه گذاری دولتی می شود، در نتیجه مردم در فضای رقابتی می توانند، خود اقتصاد کشور را در دست بگیرند و دولت صرفاً نظارت و کنترل بر این بخش را برعهده داشته باشد، کشور ایران طی الگو پذیری از کشورهای صنعتی دنیا که این مسیر را طی کردند تلاش می کند در اجرای خصوصی سازی به صورت مناسب و دقیق عمل کند و تنها در این صورت می تواند موجب تقویت حقوق مالکیت خصوصی و اصلاح ساختار مالی و بازار نیروی کار و تشویق و هدایت سرمایه گذاران به رقابت و توسعه اقتصادی کشور شود.

در این راستا دولت تاکنون قدم های قابل توجهی در جهت تقویت بخش خصوصی برداشته است، اما امور تصدی گری دولت آنچنان که مورد انتظار بود، کاهش نیافته است و وابستگی بودجه عمومی دولت به درآمد واگذاری ها بیشتر و در نتیجه نگاه درآمدی به واگذاری ها تشدید

شده است، برای نیل به خصوصی سازی موفق، لازم است این نگاه و رویکرد تغییر یابد. بار مدیریتی دولت در بنگاه‌های دولتی موجود و حتی برخی موارد بنگاه‌های واگذار شده کاهش نیافته است و به نظر می‌رسد دولت مایل نیست خود را از شرکت داری رها کند. وقتی دولت در برابر بخش خصوصی تصمیم به تصویب آیین‌نامه و بخشنامه به نفع دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی می‌کند، بین بخش خصوصی و دولت بی‌اعتمادی ایجاد می‌شود و در نتیجه دلسردی و رویگردانی بخش خصوصی را همراه دارد و نهایتاً خروج سرمایه گذاران بخش خصوصی از بازار کار اتفاق می‌افتد. علاوه بر این چالش‌ها در فرایند خصوصی سازی در شرایط فعلی بانک‌ها نقش چندان فعالی در اجرای سیاست‌های خصوصی سازی بازی نمی‌کنند، اگر قرار است واگذاری موفق باشد لازم است نظام تامین مالی درستی هم طراحی شود. از بعد حقوقی این موضوع در قانون تعریف شده است، در بعد توانمندسازی مالی تنها می‌توان به ماده (۲۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ اشاره کرد، با این شرایط بانک مرکزی در توانمندسازی بخش غیر دولتی آنچنان که انتظار می‌رفت عملی نکرد، در این شرایط نیاز به اجرای قوانین و نقش بانک‌ها در تقویت خصوصی سازی کشور است.

مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و اجرای بدون کم و کاست قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار که نوعی مشارکت کارآمد و همکاری دولت و بخش خصوصی را تبیین می‌کند و الزام دولت به انجام همه تعهدات در قبال بخش خصوصی می‌تواند بر تقویت جایگاه بخش خصوصی و روند خصوصی سازی نقش بسزایی داشته باشد و در نتیجه کاهش تصدی‌گری دولت در اقتصاد و در ادامه ایجاد فضای رقابتی و رونق اقتصادی و اشتغال به همراه دارد.

۹- نتیجه

در سال ۱۳۹۵ بیشترین برآمدگی سنی جمعیت مربوط به فاصله سنی ۳۴-۳۰ سال است. در واقع این افراد در این دهه ابتدای میانسالی و در ادامه سه دهه بعدی دوران بازنشستگی و کهنسالی خود را آغاز می‌کنند. در سال‌های آتی رشد جمعیت آهسته می‌شود و هرم سنی جمعیت در آینده به شکل استوانه خواهد شد. با ادامه روند کنونی کشور، در ۳۰ سال آینده جمعیت پیری در پیش دارد. در حال حاضر انبوه جمعیت جوان برای کشور می‌تواند هم فرصت و هم تهدید باشد. برنامه ریزی دقیق و سیاست‌های بلند مدت، می‌تواند باعث اشتغال جوانان و توسعه اقتصادی کشور شود، در غیر این صورت با نادیده گرفتن این جمعیت انبوه آماده به کار، باعث افزایش بیکاری و ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شود.

در حال حاضر کشور ما در دوران پنجره طلایی جمعیت بسر می‌برد. سیاست گذاری‌ها و برنامه ریزی‌ها در دوره ای که پنجره جمعیتی باز است، بسیار حساس و کلیدی است. حدود ۷۰ درصد جمعیت کشور بین ۱۵ تا ۶۴ سال قرار دارند. این شرایط می‌تواند یک جهش اقتصادی در ایران ایجاد کند. تجربه معجزه اقتصادی در کشورهای جنوب شرقی آسیا و همچنین فاجعه اقتصادی امریکای لاتین می‌تواند، مثال خوبی از استفاده از فرصت و نادیده گرفتن این فرصت طلایی باشد.

در سال‌های گذشته در کشور شاهد نرخ مشارکت اقتصادی پایینی بودیم، مهمترین پیامی که از کاهش نسبت مشارکت اقتصادی در سال‌های گذشته دریافت می‌شود، شوک عرضه نیروی کار دهه ۶۰ در سال‌های گذشته به اقتصاد کشور با تعویق صورت گرفته است. این امر در سال‌های آتی با تداخل ورود نیروی کار متولد ۷۰ و زنان فارغ التحصیلی که نرخ مشارکت آن‌ها در حال افزایش است، همزمان می‌شود در این شرایط سیاست گذاری بلند مدت و برنامه ریزی دقیق در کشور، بیشتر از هر زمان دیگر ضرورت دارد. در واقع اقتصاد ایران طی سال‌های آتی نیازمند فرصت‌های شغلی با تعداد زیاد و مناسب برای افراد دارای تحصیلات عالی است.

طبق اعلام سازمان بین المللی کار میانگین نرخ بیکاری در جهان حدود ۸/۵ درصد می‌باشد. هم اکنون طبق آخرین آمار کشور نرخ بیکاری ایران در سال ۱۳۹۵ حدود ۱۲/۴ درصد است این نرخ بیش از میانگین جهانی است. چنانچه ماهیت رشد اقتصادی کشور همانند سال قبل باشد، تا سال ۱۴۰۰ نه تنها شاهد کاهش بیکاری خواهیم شد، بلکه روند افزایش بیکاری را در سال‌های آتی پیش رو داریم. طبق برآوردها برای اینکه وضعیت نرخ بیکاری جاری بیشتر نشود باید سالانه حدود ۶۸۵ هزار شغل ایجاد شود.

وضعیت بازار کار کشور به روشنی نشان می‌دهد که سیاست گذاری‌های بازار کار ایران تاکنون توفیق لازم را نداشته است. این شواهد ایجاب می‌کند، که به مرور رویه سیاست گذاری از رویکردهای پیشین، به رویکردهای آزمون شده و موفق در دنیا و بهره مندی از ابزارها و سیاست‌های جدید بازار کار سوق داده شود. سیاست‌های کلان مناسب، زیر ساخت‌ها و فضای کسب و کار، نهادها و مقررات بازار کار و توسعه کسب و کارهای کوچک و تقویت خصوصی سازی می‌تواند با توجه به ورود کشور به پنجره جمعیتی، راه برای کارآفرینی و ایجاد اشتغال و در نهایت توسعه کشور باز کند.

۱۰- منابع:

۱. نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن و آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران.
۲. منکیو، گریگوری. کلیات علم اقتصاد، ترجمه حمیدرضا، ارباب، نشر نی، ۱۳۹۱.
۳. بهنیا، مهران، علویان آرش. بررسی وضعیت کار در سال های ۱۳۹۳-۱۳۹۲، موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی ریاست جمهوری.
۴. حیدرپور، افشین، روحانته مهدوی. با نمایندگان مجلس نهم اشتغال و بیکاری در اقتصاد کلان ایران، «تبعین مفاهیم، دلالت ها، سیاست های بازار کار» شماره مسلسل ۱۲۱۲۵.
۵. موسوی، سید هادی، عبداللهی، محمد رضا، کاویانی، زهرا. چشم انداز اقتصاد ایران: چالش ها و سیاست ها. مطالعات اقتصادی. مرکز پژوهش های مجلس
۶. سید هادی، خوشکلام، خسروشاهی، موسی. عرضه و تقاضای نیروی کار در اقتصاد ایران، وضعیت موجود و چشم انداز آتی، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس، شماره مسلسل ۱۴۴۰۲.
۷. سمیرا رسولیان و دیگران، الگوی مالی بنگاه های کوچک و متوسط. تامین مالی کسب و کار های کوچک و متوسط در آمریکا، دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی شماره مسلسل ۱۴۸۴۳، سال ۱۳۹۵.
۸. سلیمی دیلمی، گلاوش. پنجره جمعیتی یک مهبت یا یک موهبت پدیده ای مشکل افزا، کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، گروه علوم اجتماعی. ۱۳۹۴.
۹. ارگاس فوروندا، اسکار (۱۳۸۰)، علوم اجتماعی و مشکل بیکاری جوانان در جهان، ترجمه سازمان ملی جوانان، تهران: نشر روناس.
۱۰. میرزا ابراهیمی، رضا، بررسی اثار و نتایج سیاست های ارزی در ایران و الزامات یکسان سازی نرخ ارز، دبیرخانه کمیسیون تخصصی اتاق ایران، شماره گزارش ۴۹۵۶۲، ۱۳۹۵.

12. international monetary fund, (2015),islamic republic of iran 2015 article IV consultation, IMF country report no.15/349.

13. www.amar.org.ir.

14. http://donya-e-eqtesad.com.